

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ سپتمبر ۲۰۲۳

جرات اخلاقی یعنی "خوب را خوب" و "بد را بد" گفتن است!

چهارشنبه- ۰۵ میزان ۱۴۰۲ - کابل: امروز ۵ میزان مطابق با ۲۷ سپتمبر است. در این روز ۲۷ سال قبل نیروهای از گور برخاسته تاریخ- به تعبیر استاد موسوی- بعد از فرار مفتضحانه "بزرگوار" و مجموع باند "ربانی- مسعود"، طالبان بر شهر کابل بدون درگیری مسلط شده، به مثابه نخستین پیام، داکتر "نجیب" آخرین زمامدار دست نشانده شوروی متوفا را همراه با برادرش "شاهپور احمدزی" در قلب شهر کابل در چهارراهی آریانا به دار آویخت.

این حرکت انتقام جویانه طالب، که به مانند بسیاری از اعمال دیگر حاکمان چهاردهم اخیر، علی رغم آن که در روز روش و مقابل دیدگان میلیونها انسان اتفاق افتاده اند، باز هم مجریان آن حاضر نیستند مسؤلیت اخلاقی عملکردشان را به دوش کشند، از همان نخستین روز تا اکنون، موافقان و مخالفان خود را داشته است. در یادداشت امروز من هم می خواهم در این رابطه نقطه نظراتم را بیان دارم، این که موضعگیری در قبال این قضیه احتمالاً تعدادی از خوانندگان را خوش نیاید و یا حتی آزرده خاطر سازد نباید باعث گردد تا خود را سانسور نموده، آنچه را خوب می دانم و یا بد می دانم از آنها کتمان نمایم. زیرا به همان سان که در عنوان مطلب نیز نگاشته ام، از نظر من "جرات اخلاقی" یعنی خوب را خوب گفتن و بد را بد گفتن است بدون آن که انسان اسپر ملاحظه کاری گردد.

همان طوری که بارها نگاشته ام در یک جامعه ای که از یک سو در عمیق ترین بحران فکری- اجتماعی- اقتصادی و سیاسی تاریخ دست و پای بزند و از سوی دیگر معیارهای ارزشی قابل قبول برای همه وجود نداشته باشد، بسیار بدیهی است که افراد آن جامعه در مواجهه با هر پدیده و حرکتی از هم منقسم شده، له و یا علیه آن حرکت و پدیده موضعگیری نمایند. در چنین مواردی به همان اندازه که بروز اختلاف بین افراد یک امر طبیعی و بدیهی است، طرح نکردن اختلاف و از آن بدتر عدم تلاش در جهت حل اختلاف مبین عقب ماندگی فکری افراد جامعه به شمار می رود.

بعد از این مقدمه برگردیم به اعدام "داکتر نجیب" توسط افراد طالب؟، افراد گلبدین؟، افراد تنی؟، و یا اعضای اصلی "آی. اس. آی.":

دیدن جسد آویزان "داکتر نجیب" که در نوع خود بعد از برجای ماندن سه روزه جسد "شاه شجاع" در ۱۸۴۲ و آویزان شدن جسد "امیر حبیب الله کلکانی" بعد از ۹ ماه امارت به وسیله نیروهای ایله جار تحت فرمان "نادرخان" در ۱۹۲۹، بار اولی بود که یک زمامدار چه پادشاه و چه امیر و یا هم رئیس جمهور چنان مجازات می شد، طیفهای متعددی از مخالفان و موافقان خود را به وجود آورد، که در ذیل بدانها اشاره خواهیم نمود:

۱ - طیف مخالفان اعدام:

* - آنهائی که در اساس مخالف هر نوع اعدامی بودند؛

* - تعلقات حزبی و قومی با وی داشتند، از بابت اعدامش منزجر و دلگیر شدند؛

* - با طالب و عملکرد آن مخالف و در نتیجه هر حرکتی از جانب ایشان را زشت و نکوهیده می دانستند؛

* - اعدام علنی یک فرد را سرآغاز اعدامهای دیگر و نقض حقوق بشر می دانستند؛

* - آنهائی که هر چند وی را سزاوار مرگ می دانستند، مگر می خواستند بعد از یک محکمه علنی آنهم در یک دادگاه با صلاحیت خلقی چنان مجازاتی بالایش تطبیق شود.

۲ - طیف موافقان اعدام:

* - دوستان و هواداران طالب که تمام حرکات آنها مورد تأییدشان قرار می گرفت؛

* - دشمنان حزبی، شخصی و سیاسی نجیب که خواستار مرگش بودند؛

* - کسانی که از لحاظ شخصی هیچ خصومتی با وی نداشتند مگر عملکردش را در طول ۱۴ سال حاکمیت مزدوران روس به خصوص زمانی که وی به رأس ریاست خدمات امنیتی دولت "خاد" قرار داشت، چنان جنایتبار و ویرانگر می دانستند که حتا حکم اعدام چندین مرتبه را نیز برایش خواستار بودند.

هموطنان گرامی!

درک و قضاوت خودم در همان زمان که جوانی بودم با ۲۵ سال عمر و تقریباً بیشترین قسمت عمرم را در تحت

حاکمیت سرنیزه و کشتار باند های خلق و پرچم و به تعقیب آن اخوان و جهادی ها سپری نموده بودم، چنین بود:

هرگاه می شد و این امکان وجود می داشت که وی را نه تنها به مثابه فرد، بلکه به مثابه نماینده یک رژیم وابسته و مزدور بیگانگان و یک انسانی که جهت تداوم سلطه متجاوزان، بر روی مردم خود شمشیر کشیده در تمام دوران زعامتش از کشته ها پشته ساخته بود، در یک دادگاه خلقی آزاد محاکمه و بعداً اعدام می شد، بهترین صورت می بود. در غیاب چنان توانی، از آنجائی که جنایات "داکتر نجیب" روشنتر از آن بود که کسی بتواند شکی در مورد پیدا نماید و احتمال این که بتواند از طریق معاملات خاینانه سیاسی داخلی و خارجی از مجازات خودش و نظامی که برایش آدم کشته بود نجات یابد، اعدامش را هم همان زمان و هم امروز مورد تأیید قرار داده ام و این جرأت اخلاقی را دارم که بابت این اعدام به آنهائی که وی را به دار آویخته اند تبریک بگویم.

همچنین این جرأت اخلاقی را دارم که به حاکمان امروز و تمام آنهائی که "داکتر نجیب" را به جرم نوکری اجنبی و جنایت علیه هموطنانش به دار آویختند نیز بگویم:

"متوجه باشید حکم تاریخ در مورد شما نیز همانست که خود در مورد "داکترنجیب" عملی نمودید. یعنی اعدام به جرم خیانت به میهن و کشتار هموطنان بی گناه"

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!